



جهاد پیامبر(ص) این بود که دین داری بر پایه «عقل» استوار گردد

وحی پیامبر (ص) فقط راهنمای الهی نبود، بلکه محرکی برای شکوفایی عقل بود؛ عقلی که در سایه نبوت از تاریکی جهل بیرون آمد و به مرکبی برای سفر به سوی خدا تبدیل شد.

وحی پیامبر (ص) فقط راهنمای الهی نبود، بلکه محرکی برای شکوفایی عقل بود؛ عقلی که در سایه نبوت از تاریکی جهل بیرون آمد و به مرکبی برای سفر به سوی خدا تبدیل شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام محمدجواد رودگر عضو هیئت علمی گروه عرفان و معنویت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در یادداشتی نوشت: «پیامبر وحی»، «پیامبر عقل» نیز بود، زیرا وحی در قبال عقل، دو وظیفه عمده دارد: یکی تأیید عقل و دیگری شکوفایی آن و پیامبر (ص)، عقل را در پرتو «وحی پیامبرانه» به فعلیت رسانده، آن را از اسارت وهم، خیال، ظن و گمان، شک و شرک رهاکنده و شکوفا ساخت. منزلت عقل در هندسه وحی پیامبرانه، منزلتی والا و برین از جهات متعدد و حیثیات متکثر می باشد. اکنون به ذکر نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

۱. سئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ قَوْلِهِ: «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» فَقَالَ: أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَقْلًا، ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَتَمَّكُمْ عَقْلًا وَ أَشَدَّكُمْ لِلَّهِ خَوْفًا وَ أَحْسَنَكُمْ فِيمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ نَهَيْعَنَّهُ نَهْرًا وَ إِنْ كَانَ أَقْلُكُمْ تَطَوُّعًا؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص معنی آیه «[تا بیازماید] کدامیک عملتان بهتر است» پرسیدند. فرمودند: یعنی کدامیک عاقل ترید. سپس فرمودند: مقصود، کسی است که عقلش کامل تر، از خدا بیمناک تر و در امر و نهی خداوند دقیق تر است؛ هر چند مستحباتش کمتر باشد. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۳۳)

۲. در حدیثی دیگر نبی اکرم (ص) در جواب شمعون بن لاوی فرمود: «إِنَّ الْعَقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ، وَ النَّفْسُ مِثْلُ أَحْبَثِ الدَّوَابِّ، فَإِنْ لَمْ تُعَقِّلْ حَارَتَ فَالْعَقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ» (همان، ج ۱، ص ۱۱۷) عقل، عیقال از جهالت و نادانی و بازدارنده نفس است.

۳. در حدیثی جالب و جاذبی دیگر فرمود: «لِكُلِّ شَيْءٍ آلَةٌ وَ غَدَّةٌ وَ آلَةُ الْمُؤْمِنِ وَ غَدَّتُهُ الْعَقْلُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيَّةٌ وَ مَطِيَّةُ الْمَرْءِ الْعَقْلُ لِكُلِّ شَيْءٍ غَايَةٌ وَ غَايَةُ الْعِبَادَةِ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ رَاعٍ وَ رَاعِيَ الْعَايِدِينَ الْعَقْلُ، وَ لِكُلِّ تَاجِرٍ يَضَاعَةُ وَ يَضَاعَةُ الْمُجْتَهِدِينَ الْعَقْلُ، وَ لِكُلِّ خَرَابٍ عِمَارَةٌ وَ عِمَارَةُ الْآخِرَةِ الْعَقْلُ، وَ لِكُلِّ سَفَرٍ فُسْطَاطٌ يَلْجَأُونَ إِلَيْهِ وَ فُسْطَاطُ الْمُسْلِمِينَ الْعَقْلُ» (همان، ص ۹۰) (هر چیزی برای خود ابزار و ساز و برگی دارد و ابزار و ساز و برگ مؤمن خرد است؛ هر چیزی مرکبی دارد و مرکب انسان خرد است؛ هر چیزی هدف و غایتی دارد و هدف و غایت عبادت [رسیدن به] خرد است؛ هر گروهی سرپرستی دارد و سرپرست عابدان خرد است؛ هر بازرگانی کالایی دارد و کالای کوشندگان خرد است؛ هر ویرانی ای را آبادانی ای است و آبادانی آخرت خرد است و هر گروه مسافری برای خود خیمه ای دارند که سر پناهشان است و خیمه مسلمانان خرد است)، بنابراین مرکب انسان عقل در پویبندگی و سفر به سوی ابدیت است تا انسان در هیچ مرحله ای دچار ایستایی و جمود نشده بلکه عاقل، پویا و بالنده در نیل به کمال علمی و عینی باشد. و از منظر رسول اسلام (ص) هدف عبادت نیز «عقل» قلمداد شده است چه اینکه به تعبیر استاد جواد آملی: (انسان عبادت می کند تا عاقل شود و عقل در حدوث و بقا متکی به عبادت است) (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۹، ص ۱۵۲) بدین سان عقل اجمالی باید باشد تا انسان اهل معرفت و عبودیت گردد و سلوک و معنویت خود، عامل تقویت و تشدید عقل و تکامل وجودی آن خواهد شد لذا (عقل) در همه مراحل بندگی از آغاز تا انجام حضور دارد.

۴. پیامبری که عقل را از غل و زنجیرهای گوناگون نجات داد: «وَبَيَّضَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷) نیز فرمود: «قِوَامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ، وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ» (نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۶۱) تا دین شناسی و دینداری بر پایه «عقل» استوار گردد.

۵. در حدیثی دیگر که شاید از معجزات قولی پیامبر (ص) و بیان منزلت برین عقل در نگاه و دیدگاه اسلام ناب محمدی (ص) است، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ إِذَا تَقَرَّبَ النَّاسُ إِلَى خَالِقِهِمْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ فَتَقَرَّبَ بِأَنْوَاعِ الْعَقْلِ، تَسْبِقُهُمُ بِالدرجات والزلفى عند الناس فى الدنيا وعند الله فى الآخرة» (حلیه الأولیاء، ج ۱، ص ۱۸ و.ک: محمدی ری شهری، موسوعة الإمام علی بن أبی طالب (ع) فى الكتاب و السنة و التاريخ، ج ۸، پاورقی ص ۴۰۶): (یا علی وقتی که می بینی مردم با انواع نیکوکاری ها به آفریننده ی خود تقرب می جویند، تو با تعقل های گوناگون به او تقرب بجوی که بر همه آنان سبقت خواهی گرفت) به تعبیر استاد شهید مطهری (رض): «یکی از آن رمز و رازها اصلاتی است که اسلام برای عقل قائل شده است. تحقیقاً شما هیچ دینی و هیچ کتاب آسمانی را پیدا نمی کنید که به اندازه اسلام برای عقل ارزش و اصالت قائل شده باشد» (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲۱، ص ۴۸۴) چنان که در موضوع دیگری می فرماید: «در اسلام، قضیه درست برعکس است،

در اصول دین اسلام، جز عقل هیچ چیز دیگری حق مداخله ندارد؛ (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۳۳، ص ۱۸۵).

۶. هنگامی که گروهی در حضور پیامبر اسلام، مردی را ستایش کردند و همه ویژگی های خوب را برایش بر شمردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «عقل او چگونه است؟». گفتند: «ای رسول خدا! ما از جدیت او در عبادت و دیگر خوبی ها سخن می گوئیم و شما از عقل او می پرسید؟». فرمودند: نادان از روی نادانی به زشتی هایی بزرگ تر از زشتی های انسان گنهکار دست می زند. همانا بندگان به میزان عقلشان در روز قیامت به درجه بالاتر نائل و به پروردگارشان نزدیک می شوند. (بحرانی، تحف العقول، ص ۵۴) اینگونه است که یکی از مهمترین رازهای تفوق موج اسلام بر امواج دیگر در کنار ویژگی «جامعیت»، همانا «عقلانیت» اسلام است. به تعبیر عمیق استاد شهید مطهری: «اسلام از طرفی پیمان خویش را با عقل، سخت استوار کرده است؛ عقل را به عنوان یکی از ارکان اصلی دین پذیرفته؛ بالاتر، پیامبر درونی؛ اش خوانده است. از طرف دیگر، مُلک و ملکوت، دنیا و آخرت، جسم و روح، ظاهر و باطن، ماده و معنی را یکجا در نظر گرفته و همه جانبه نگریسته و از هر افراط و تفریطی دوری جسته است. از اینها گذشته، «برنامه کامل» خویش را به وسیله رهبری شایسته و مجریانی لایق به جهان عرضه کرده است». (مطهری، م. آ، ج ۱۶؛ ۱۸۱، ص ۳۶).

۷. پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص «اوصاف عاقل» و از این رهگذر به نوعی در مورد «کارکردهای عقل» می فرمایند: «صِفَةُ الْعَاقِلِ أَنْ يَحْلُمَ عَمَّنْ جَهِلَ عَلَيْهِ وَ يَتَجَاوَزَ عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ يَتَوَاضَعَ لِمَنْ هُوَ دُونَهُ وَ يُسَاقِ مَن قُوَّةً فِي طَلَبِ الْبِرِّ وَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ تَدَبَّرَ قَانَ كَانَ خَيْرًا تَكَلَّمَ قَعِيمٌ وَ إِنْ كَانَ شَرًّا سَكَتَ قَسِيمٌ وَ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ فِتْنَةٌ اسْتَعَصَمَ بِاللَّهِ وَ أَمْسَكَ يَدَهُ وَ لِسَانَهُ إِذَا رَأَى قَضِيلَةً انْتَهَزَ بِهَا، لَا يُفَارِقُ الْحَيَاءَ وَ لَا يَبْدُو مِنْهُ الْحِرْصُ فَيَلْغَعَشُرُ خِصَالِي يُعْرِفُ بِهَا الْعَاقِلُ» (بحرانی، تحف العقول، ص ۲۸)؛ (ویژگی عاقل، آن است که در برابر نادان بردباری کند، از آن کس که به او ظلم کرده بگذرد، نسبت به زبردستان متواضع باشد، با بالادستان در خوبی ها رقابت کند، هرگاه خواست سخن بگوید، بیندیشد، اگر خوب بود بگوید و بهره ببرد و اگر بد بود، سکوت کند و سالم بماند، اگر بلا و امتحانی برایش پیش آمد به خدا پناه ببرد و دست و زبان خود را نگه دارد، اگر فضیلتی دید، به سرعت از آن بهره گیرد، حیا از او جدا نگردد و حرص از او سر نزنند، اینها خصلت های ده گانه ای است که عاقل با آنها شناخته می شود).